

تیین پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه ایران

نویسندگان: دکتر اکبر رهنما^۱، دکتر مهدی سبحانی نژاد^۲ و سید
صدراله خوشقدم^۳*

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۳. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شاهد

*Email: mirsadra3727@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به تییین پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف آموزش و پرورش ایران با تأکید بر اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه می پردازد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بوده است. جهت گردآوری داده های لازم برای سؤال های تحقیق، کلیه منابع و مراجع مرتبط با استفاده از فرم گردآوری داده ها تحلیل و یافته ها به شیوه کیفی، تحلیل شده است. جهانی شدن فرهنگ برای آموزش متوسطه ایران، پیامدهایی به دنبال دارد که در انطباق با اهداف سیزده گانه علمی و آموزشی دوره مذکور قابل توجه است. یافته ها مبین پیامدهایی چون؛ کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال، پدیده بی سوادی مدرن، پدیده آموزش های ناهمسان، عدم همراهی ذهنیات با عینیات، رشد آموزش زبان خارجی، تدریس فعال، تغییر در روش آموزش از رقابتی به مشارکتی، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در یادگیری فعال، تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر آموزش و پرورش و کاربرد فن آوری اطلاعات و ارتباطات در تبادلات بین المللی و بین فرهنگی است. مجموعه پیامدهای مذکور به صور گوناگون با ماهیت اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه ایران از جمله؛ مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارت های لازم برای زندگی و کار در جامعه، توانایی برقراری ارتباط با دیگران از طریق آشنایی با زبان خارجی، به کار گرفتن فن آوری های مناسب علمی، توانایی انتخاب شغل با توجه به نیازهای خود و جامعه، توانایی در هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روش های تحقیق، تفکر و مباحثه، متناسب و همسو است.

کلیدواژه ها: جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگ، اهداف علمی و آموزشی، دوره متوسطه.

دانشور

رشتار

تربیت و اجتماع

دریافت مقاله: ۸۸/۷/۱

پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۷

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Seventeenth Year
No.42
Aug-sep. 2010
Education & Society

دوماهنامه علمی-پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال هفدهم - شماره ۴۲

شهریور ۱۳۸۹

مقدمه

جهانی‌شدن امروزه به یکی از اصطلاحات متداول در حوزه‌های مختلف تبدیل شده است و ذهن بسیاری از پژوهشگران عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به خود مشغول کرده است. چند بعدی بودن، پیچیدگی خاص موجود در ماهیت، تعریف روشن و مورد قبول همگان از این پدیده را دشوار ساخته است.

به نظر مارتین آلبرو^۱، جهانی‌شدن به کلیه جریانهای اشاره دارد که با آن همه مردم جهان در یک جامعه جهانی در حال تعامل هستند^[۱]. به نظر رونالد رابرتسون^۲، جهانی‌شدن صرفاً روند عینی گسترش ارتباط تنگاتنگ نیست بلکه به آگاهی و امید ذهنی (یعنی عمق وسعت آگاهی از جهان بعنوان تنها مکان) نیز اشاره دارد^[۲]. به نظر مارتین کهر^۳، جهانی‌شدن عبارت است از آنچه در جهان سوم آن را برای قرن‌ها استعمار شدن (استعمارگری) می‌نامیم^[۳]. جهانی‌شدن در وهله اول یک بحث تعلیم و تربیتی نیست و بیشتر جنبه اقتصادی آن مطرح بوده است. ولی به هر انگیزه‌ای که باشد در نهایت، دامن همه حوزه‌ها را خواهد گرفت. هم در مسائل سیاسی، هم در مسائل فرهنگی و هم تربیت دینی و هم در تعلیم و تربیت و غیره^[۴].

از طریق فرایند جهانی‌شدن مسیر ضد ارزش‌های فرهنگی کشور‌های پیشرفته با ابزار توانمند پیشرفت‌های تکنولوژیکی به سمت کشور‌های کمتر توسعه یافته و خصوصاً جوامع جهان سوم هجوم آورده است و نتیجه آن ممکن است به خودباختگی فرهنگی در بسیاری از ملل جهان سوم و تغییر و از دست دادن ارزش‌های فرهنگ بومی در این جوامع منجر گردد. عدم توازن اطلاعاتی در جهان و تبدیل آن به جریان یک طرفه اطلاعات، گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی در نتیجه جهانی‌شدن، از بین رفتن فرهنگ محلی و بومی و ایجاد نوعی فرهنگ جهانی، از بین رفتن برخی از

زبانهای بومی و محلی به واسطه گسترش وسایل ارتباط جمعی و برخورداری کشورهای صنعتی از توان اطلاعاتی و ارتباطی بالا و نقش موثر آنها در تصمیم‌گیریهای جهانی به نفع خود از جمله آثار منفی جهانی‌شدن است^[۵].

از طرف دیگر جهانی‌شدن تا اندازه‌ای تحرک اجتماعی را تسریع کرده است، باعث پخش گسترده علوم شده و عموماً ارتباطات را راحت‌تر و ارزان‌تر نموده است. اعضای جوامع مختلف توانایی بیشتری یافته‌اند تا یکدیگر را درک کرده و بشناسند. آگاهی یافتن راجع به دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف، همدردی نوع بشر با قربانیان مصائب طبیعی و حتی تراژدی‌هایی که بواسطه بشر بوجود می‌آیند، خارج شدن تشکل‌ها و گروه‌ها از انزوا بر اثر تنوع گسترش تکنولوژی‌های ارتباطاتی، افزایش سریع تغییرات و نزدیک ساختن جوامع به یکدیگر از جمله آثار مثبت جهانی‌شدن است^[۶]. علاوه بر موارد فوق افزایش سرعت تحولات و بهم پیوستگی تحولات جوامع انسانی، شکل گرفتن زندگی اجتماعی در فضایی بسیار گسترده، امکان بیشتر فراهم شدن گفتگوی فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها از دیگر آثار مثبت جهانی‌شدن می‌باشند^[۷].

سجادی در تحقیق خود به دنبال بررسی اثرات و پیامدهای جهانی‌شدن بر اهداف، محتوا و ساختار تعلیم و تربیت بوده است. وی مهمترین پیامدهای جهانی‌شدن بر تعلیم و تربیت را اینگونه عنوان می‌کند: کاهش میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها و کیفیت و جهت‌گیری‌های آموزشی و تربیتی با ظهور رسانه‌های پیشرفته، کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت به خاطر ظهور و غلبه تکنولوژی‌های جدید آموزشی، تغییر جهت‌گیری‌های برنامه‌های تربیتی از بلندمدت به کوتاه مدت، کاهش میزان اختیار تصمیم‌گیری‌های آموزش محلی و ملی و جایگزینی مراکز تصمیم‌گیری فراملی یا جهانی^[۸]. آدم زاده در تحقیق خود می‌گوید فرد در شرایط جهانی‌شدن هویت جهانی پیدا می‌کند. همچنین با این شرایط در نظام‌های آموزشی نقش‌ها، شیوه‌های

1. Albrow
2. Robertson
3. Kuhor

کلی وظیفه آموزشی و پرورشی نسل های نو را به عهده دارد. از طرفی دیگر جهانی شدن هم چیزی است که به عمل در آمده و شاهد نمودهای آن در جوامع می باشیم که ناگزیر ما هم با آن مواجه شدیم و می شویم. از این رو آموزش و پرورش ما در شرایط تازه ای قرار گرفته است. لذا ضروری است که به موضوع پیشنهادی این تحقیق پرداخته شود تا در صورت لزوم تغییرات مورد نیاز در اهداف آموزش و پرورش ایران در مقطع متوسطه مورد تأمل قرار گیرند.

بنابراین در تحقیق حاضر این مسأله مطرح می شود که بعد فرهنگی جهانی شدن چه پیامدهایی بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه در کشور ایران می گذارد؟

جهانی شدن

جهانی شدن از دیدگاه رئالیست ها، لیبرال های جدید و تحلیل گران سیستم جهانی مدرن مورد بحث واقع شده است. از نظرواقع گرایان^۱ (رئالیست ها) جهانی شدن باعث توسعه حاکمیت و اقتدار کشورهای قوی و تضعیف حاکمیت و سلطه کشورهای در حال توسعه شده است. لیبرال ها تأکید بیشتری بر نقش نهادها و رژیم های بین المللی^۲ دارند. این نهادها بین المللی، شکل دهنده چهارچوب کلی نظام بین المللی که در تحلیل نهایی، به حاکمیت جهانی^۳ منجر خواهد شد. [۱۵].

سیستم جهانی مدرن^۴: یکی از بنیانگذاران این نظریه، امانوئل والرشتین^۵ که نظریه او دارای خصیصه هایی چون ارتباط کلیه اجزای یک سیستم با هم می باشد. در طول تاریخ، سیستم جهانی به صورت های سیاست جهانی (امپراتوری ها) و اقتصاد جهانی ظاهر شده است اما در مقایسه با سیستم های جهانی قدیم، به علت تکامل سرمایه داری، سیستم جهانی جدید نیروی تهاجمی بیشتری دارد. والرشتین علاوه بر عوامل اقتصادی، به ابعاد فرهنگی و به ویژه به اهمیت عامل فرهنگی لیبرال در

کار، روش های تدریس و فرایند یادگیری را نیز باید تغییر داده و اصلاح نمود [۹]. ناصری پور در تحقیق خود، بیان می کند که تعلیم و تربیت پدیده ای است که در عمل با آن درگیر هستیم و یکی از ابزارهای فرهنگ عمومی می باشد که کارکردهایی از قبیل فرهنگ پذیری و انتقال ارزشها و فرهنگها را به عهده دارد. جهانی شدن هم چیزی است که به عمل در آمده و شاهد نمودهای آن در جوامع می باشیم که به ناگزیر با آن مواجه می شویم. پس فرهنگ ما در معرض فرهنگ جهانی قرار گرفته است [۱۰].

زارعی در تحقیق خود می گوید جهانی شدن به لحاظ سرعت بیشتر گسترش علم، ایجاد برابری میان همه افراد برای یادگیری، توسعه وسایل کمک آموزشی و ترویج فرهنگ جهانی نقش مثبتی در آموزش و پرورش ایفا می کند [۱۱]. عالی در تحقیق خود دریافت که آموزش و پرورش کشور ایران همگام با سایر کشورها با بهره گیری از فرصت ها و شناخت بهتر چالش ها می تواند به حفظ میراث های فرهنگی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت در راستای جهانی شدن پردازد [۱۲]. والکر در مقاله خود آورده است که آموزش مناسب در عصر جهانی شدن آموزشی است که در عین اینکه افراد را مفتخر به ملیت و ارزش های فرهنگ بومی می کند، افراد جامعه را به صورت اعضای مطمئن جامعه بین المللی تربیت می کند. برای این کار آموزش و پرورش باید روحیه تحمل، تفاهم و احترام به اختلاف فرهنگ ها را در جوانان جامعه ایجاد و تقویت کند [۱۳]. اسمیت در تحقیق خود بیان کرد که جهانی شدن باعث رواج مدرنیسم عقلایی می شود و فردگرایی را تضعیف می کنند که اثرات آن در آموزش و پرورش مشهود است. همچنین وی ذکر می کند جهانی شدن باعث تأکید بر فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش و تضعیف فرهنگ های غیر بومی می شود [۱۴].

تعلیم و تربیت پدیده ای است که کارکردهایی از قبیل فرهنگ پذیری و انتقال ارزشها و فرهنگ ها یا بطور

1. Realists
2. International Regimes
3. Global Governance
4. The Modern World System
5. Emanuella Wallerstein

جهان امروز شاهد یک انقلاب تکنولوژیک یا همان انقلاب سوم در تاریخ بشری می باشد و فناوری های ارتباطات و اطلاعات نیز به سرعت در حال گسترش می باشند که اینها روی هم اهمیت جهانی شدن در بعد فرهنگ را بیش از هر زمانی بر همه نمودار کرده است [۲۰]. هانتینگتون در رابطه با جهانی شدن فرهنگی بیان می دارد "جهانی شدن مقوله فرهنگ، تعامل و دخالت فرهنگ ها را مطرح می کند. یعنی این فرهنگ ها هستند که اولاً در پس سیاست، اقتصاد و قدرت ها ظهور می کنند، ثانیاً در مواقعی مستقیماً مطرح می شوند [۲۱]."

مارشال مک لوهان می گوید رسانه های جدید الکترونیکی، حامل پیام ها و فرهنگ خاصی اند که با گسترش آنها، آن پیامدها و فرهنگ ها نیز انتشار می یابد [۲۲]. هویت و فرهنگ در عرصه جهانی شدن رابطه تعاملی مستقیم و متقابلی با یکدیگر دارند. به همین دلیل تمهیدات فرهنگی در عرصه جهانی شدن زمینه ساز بحران هویت در جوامع مختلف می شود که یکی از پیچیده ترین چالش های امنیتی است. [۲۳]. از آنجا که فرهنگ با تعلیم و تربیت رابطه دارد، لذا وقتی جهانی شدن در بعد فرهنگ مطرح می شود، تعلیم و تربیت را به عنوان یک رکن اساسی فرا خواهد گرفت. بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در شرایط جهانی شدن در بعد فرهنگ به دلایل ارتباط فرهنگ با تعلیم و تربیت امری است که باید به آن پرداخت [۲۴].

جهانی شدن فرهنگی و آموزش و پرورش

آموزش و پرورش عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد های شخصی در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف های مطلوب براساس برنامه ای سنجیده شده [۲۵]. نهاد تعلیم و تربیت از جمله نهادهایی است که در زمینه تأثیر پذیری و حتی تأثیر گذاری بر جریان های اجتماعی، میدان گسترده ای را پیش رو می نهد. برخی جریان های اجتماعی، به طور مستقیم، سبب تغییر و تحول در نظام تربیتی می شوند و جریان تربیتی جدیدی را پدید می آورند یا جریان های پیشین را دامن می زنند.

سیستم جهانی جدید اشاره می کند [۱۵]. می توان خصلتهای جهانی شدن را شامل ارتباطات، چرخش اطلاعات، تراکم زمان و مکان، ضعیف تر شدن دامنه مرزها و همپوندیهای فزاینده دانست [۱۶، ۱۷]. در کل می توان خصوصیات عمده جهانی شدن را شامل مواردی چون، حاکم شدن تمدن الکترونیک در جهان، ارتباطات متقابل فرهنگهای مختلف جهان، نظم دهی مجدد زمان و مکان، تشدید روابط بین المللی و باز شدن مرزها، جهانی شدن به عنوان یک فرایند جهانی شدن به عنوان ایدئولوژی، جهانی شدن به عنوان یک پدیده دانست [۱۲].

جهانی شدن فرهنگی

رویکرد نظام جهانی مدعی است جهانی شدن فرهنگ، صرفاً نتیجه جهان گرایی اقتصادی است، ولی رویکرد فرهنگ از تحقیقات در مورد جهانی شدن فرهنگ نشأت گرفته است و بر مسایلی که در صدد متجانس کردن وضعیت های فرهنگی بر اساس رسانه های جمعی هستند، تمرکز یافته است. بر اساس پارادایم یکسان سازی فرهنگی جهان تفاوت های فرهنگی از طریق جایگزینی تولیدات محلی با تولید انبوه کالایی، به سرعت در حال از بین رفتن است [۱۸].

برخی نظریه پردازان مدعی هستند که فرهنگ جهانی، فرهنگی است متمایز از فرهنگ های خاص. به نظر آنها بر پایه زیرساخت های اقتصادی وقتی در جهان یک فرهنگ جهان شمول شکل می گیرد که، برخلاف فرهنگ های ملی یا قومی خاص و زمانمند به هیچ هویت تاریخی تعلق ندارد. در واقع فرهنگ مورد نظر فرهنگی است التفاضلی، عام و بی زمان. در این دیدگاه نهاجم و ستیز فرهنگی نفی شده است و لازمه ظهور فرهنگ های غنی تر، آمیختگی آنها عنوان گردیده است [۱۹]. بعد فرهنگی در دو دیدگاه کثرت گرایانه و دیدگاه فرهنگی واحد نمود یافته است. طرفداران نگرش فرهنگی واحد به طور بدبینانه ای خبر از حاکم شدن فرهنگ هم سانی در میان ملل و جوامع می دهند.

استفاده از منابع موجود، روش های تدریس را با هدف های نوین آموزشی سازگار نموده، به غنای برنامه درسی و افزایش رشد دانش آموزان همت گمارند.

هرگونه فعالیتی خصوصا در زمینه مسایل آموزشی باید ریشه در فرهنگ یک جامعه داشته باشد وگرنه مانند درختی است که ریشه در خاک ندارد و به زودی از بین می رود [۲۸]. در این راستا فرهنگ ها می توانند خود را در معرض دیده شدن و شنیده شدن قرار دهند. ارزش ها تغییر پیدا می کنند و مبادله می شوند، اما کسانی موفق اند که در این میان با قدرت جذب بیشتر و سهم بیش تر عمل کنند و اینجاست که باید ملت ها، با تلاش و همکاری همه جانبه، بدون آنکه یکدیگر را از میدان رقابت سالم خارج کنند، ویژگی و ارزش های فرهنگی خود را برجسته سازند و به جهانیان عرضه کنند.

پاره ای از کارهای پیشنهادی از جمله در کشور ما عبارت است از:

۱- اشاعه کاربرد رایانه ها در کشورهایی که سهم کمتری از فناوری های جدید دارند.

۲- تأکید کشورها بر زبان های مادری و هویت های ملی در مدارس.

۳- تأکید بر ارزش ها و خلاقیت های فرهنگی ملل که متکی بر سنت ها و میراث آنهاست.

۴- ارائه حافظه فشرده جهانی نوع بشر از طریق معرفی موزه ها، آثار تاریخی و هنری در سطح بین المللی

۵- دادن آموزش های رسمی و غیر رسمی درباره همبستگی ملت های جهان با یکدیگر.

۶- برداشتن برخی قوانین و دادن آموزش های رایگان هر چند گران به سراسر جهان.

۷- آموزش اخلاق جهانی و یا صلح جهانی از طریق رسانه ها، انتشار عقاید و ایده ها به درون ملت ها.

۸- ایفای نقش آموزشی بیشتر تلویزیون های محلی و ملی در زمینه ترغیب مردم همه کشورها برای داشتن نظرگاه مثبت و بهره گیری مثبت از فن آوری ها و ارتباطات جهانی و استفاده از آن در انجام کارها.

ولی برخی جریان های اجتماعی، با ایجاد تحول سیاسی و اقتصادی در جامعه، به طور غیر مستقیم، نهاد تعلیم و تربیت را متأثر می سازند. همچنین نظام تربیتی نیز، گاه مستقیم و گاه با واسطه، در پیدایش یا تشدید جریان های اجتماعی دخالت می نماید. [۱۲].

نخستین نسبتی که میان فرهنگ و تعلیم و تربیت قابل مطرح می باشد را در برخورداری دانش و معرفت از ریشه های فرهنگی و بومی می توان جستجو کرد. به عبارت دیگر تعلیم هر علمی و توسعه آن در جوامع مختلف که دارای پشتوانه و پیشینه تاریخی و فرهنگ خاص خود می باشند، بسته به میزان هماهنگی و همخوانی با بستر فرهنگی آن علم دارد، که با سرنوشت ها یا سرانجام های متفاوتی روبرو خواهد شد [۲۶]. بعد فرهنگی مهم ترین و مؤثرترین بعد جهانی شدن از نظر تأثیرگذاری بر نظام آموزش و پرورش می باشد جهانی شدن باعث نفوذ ارزشهای فرهنگها و سایر جوامع در جامعه می شود. [۱۲]. در صورت داشتن برنامه های پویا و واقع گرایانه و پایدار و منطبق با ارزش های جامعه است که آموزش و پرورش می تواند انسانهایی آگاه و با فرهنگ و کارآمد تربیت کرده و راه توسعه فرهنگی و توسعه همه جانبه را هموار سازد [۲۷].

جهانی شدن فرهنگی و اهداف آموزش و پرورش ایران

ورود به قرن بیست و یکم که با تغییرات فناوری بویژه گسترش دامنه فناوری اطلاعات همراه می باشد، ساختارها و فرایندهای آموزش و پرورش سنتی را دگرگون نموده و نیاز به اصلاح تجدید و نظر در خط مشی ها، اهداف و برنامه های کهنه و منسوخ را ضروری ساخته است. شهروندان آتیه نیازمندند که برنامه زندگانی خودشان را با خط مشی های نوگرایانه از یک سو و رعایت اصول ارتقای کیفیت یادگیری، کمک به ایجاد برابری آموزشی و اعتلای اثر بخشی از سوی دیگر هماهنگ نمایند، در این راستا هنرمندان، نویسندگان، مربیان، معلمان و استادان دانشگاه باید با

۹- ترغیب و تشویق به یادگیری تفکر خلاق و نقدانه [۲۹].

در این خصوص تعلیم و تربیت هر جامعه ای بیش از سایر نهادهای اجتماعی بر روند حفظ و گسترش ویژگی های بومی و ارزشی خود مؤثر است از این رو نحوه ایجاد تعادل بین آثار و پیامدهای جهانی شدن، اهداف و برنامه های آموزشی ارزشها و میراثهای بومی مبحثی مورد تأمل است، چون دانش آموز در شرایط جهانی شدن، برای برقراری ارتباط و استفاده از وسایل ارتباطی در جهت کسب منابع علمی و کاربرد آن در جامعه، باید آموزش هایی در زمینه همزیستی و تحمل تفکرات و نقد دیگران کسب نماید [۳۰].

دوره متوسطه و اهداف علمی و آموزشی آن

بسیاری از انتظاراتها و انتقادات نظام های رسمی و تعلیم و تربیت بر آموزش متوسطه متمرکز است. آموزش متوسطه از یک طرف دروازه ورود به ترقی اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود و از طرف دیگر آن را متهم می کنند که راهی است باز اما نابرابر و غیر کافی به دنیای بیرون و به طور کلی نه تنها سد راه آمادگی نوجوانان برای تحصیلات عالی می شود بلکه اجازه نمی دهد آنان برای ورود به دنیای کار آماده شوند.

آموزش متوسطه از طریق سه اصل به متن آموزش مداوم پیوند می خورد. تنوع دوره ها، افزایش تاکید بر تناوب تحصیل و کارهای حرفه ای و اجتماعی و تلاش در جهت بهبود کیفیت آموزش [۳۱]. آموزش و پرورش متوسطه مرحله ای از آموزش و پرورش است که طی آن دانش آموزان جوان به افراد مستقل و مسئول مبدل می شوند. در این مقطع دانش آموزان علم و مهارت لازم را جهت ورود به زندگی آینده کسب می نمایند [۳۲]. این دوره در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منبع اصلی تولید نیروی انسانی نیمه ماهر است.

این دوره ممکن است از سه جهت دوره انتقالی باشد: ۱- انتقال از آموزش عمومی، همگانی و غیر تخصصی به آموزش دانشگاهی، تخصصی خاص عده

ای محدود. ۲- انتقال از محیط آموزشی به محیط کار و زندگی. ۳- انتقال از دوره میان کودکی که نیازهای فرد تحت نظر و مراقبت دیگران تأمین می شود و جوانی و بلوغ که به فرد استقلال و قبول مسئولیت می دهد. [۳۳]. در گزارش های نهایی اجلاس منطقه ای یونسکو آمده است: دوره متوسطه دوره ای است که، در آن دانش آموزان گروه سنی چهارده تا هفده یا هجده ساله تحصیل می کنند و به دلیل تنوع برنامه ها و تعدد رشته های تحصیلی، فرصت انتخاب دارند [۳۴]. نهاد تعلیم و تربیت دارای عناصری مثل اهداف روشها محتوا ارزشیابی و برنامه درسی می باشد. اهداف تعلیم و تربیت از نیازهای متعدد یک جامعه و افراد آن و آرمان های اجتماعی یا آرمان های مکاتب فکری نشأت می گیرند. اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران به شرح ذیل می باشند:

۱- پدیده های ساده علمی، تجربی و محیطی و ارتباط آنها را درک می کند.

۲- در حوزه های علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی اطلاعات کافی دارد و می تواند در زندگی از آنها استفاده کند.

۳- کتاب های نوشته شده به زبان فارسی را روان می خواند و این زبان خوب تکلم می کند.

۴- آیین نگارش فارسی را می داند و می تواند به این زبان، نامه، گزارش و مقاله بنویسد.

۵- در استفاده از ریاضیات برای حل مسائل خود و جامعه مهارت دارد.

۶- زبان عربی را در سطح درک معنی برخی از سوره قرآن و احادیث و اذکار نماز و دعاهای متداول میداند. و از دانش خود در زبان عربی برای فهم بهتر متون ادب فارسی استفاده می کند.

۷- با حداقل یک زبان خارجه در حد توانایی ارتباط با دیگران آشنایی دارد.

۸- ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح را می داند و در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی مهارت دارد.

- ۹- برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره های بالاتر مهارت های لازم را دارد.
- ۱۰- با اعتقاد به تاثیر علم در انجام درست کارها فن آوری مناسب را به خدمت می گیرد.
- ۱۱- با توجه به توانایی های خود و نیاز جامعه می تواند انتخاب شغل نماید.
- ۱۲- جریان یادگیری خود را هدایت می کند.
- ۱۳- به تفکر و مباحثه علاقمند است و با روش تحقیق آشنایی عملی دارد [۳۵].

روش

روش انجام تحقیق توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی بوده است. جهت گردآوری داده های لازم برای پاسخگویی به سؤال های تحقیق کلیه منابع و مراجع مرتبط با استفاده از فرم گردآوری داده ها تحلیل و یافته ها به شیوه کیفی تحلیل شده است.

یافته های پژوهش

پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف علمی، آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران، بنابراین با توجه به موارد مطرح شده و نمود بیشتر جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر فرایند تعلیم و تربیت در بخشهای مختلف اهداف، محتوا و روشها به پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه آموزش و پرورش ایران می پردازیم:

۱- کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال

از جمله اصول مهم در نظام آموزشی سنتی جامعه ایران، ارزش فوق العاده ای است که « زمان گذشته » دارا می باشد. همواره در گفتمانها، از این ارزش به عنوان تجربه یاد می شود و پیوسته افراد بزرگتر را درس آموز و صاحبان تجربه دانسته و سعی بر این است که با استفاده از تجربه ایشان، بر دانش خود بیفزاییم. این در حالی است که تحولات رخ داده در

عرصه فناوری و روش های نوین آموزشی، به شدت این اصل را دستخوش تحول ساخته است؛ به این معنا که ارزش « زمان گذشته » و « حال » یکسان نیست. امروزه یک جوان با استفاده از امکانات آموزشی و ارتباطی، به حجم بالایی از اطلاعات و دانش دست می یابد که برای نسل گذشته قابل تصور نیست. لذا دو دهه اخیر، از حیث شتاب با قبل از آن - در جامعه ما - قابل مقایسه نیست. نتیجه این امر آن است که جوان دانش آموز امروز، راه سی ساله را یک شبه طی می نماید و این چنین می شود که ارزش زمان تجربه شده به شدت کاهش می یابد [۳۶].

با توجه به استفاده فرد از امکانات بالای ارتباطی و آموزشی و کسب اطلاعات و دانش در زمان حداقلی و هدایت آن توسط خود می توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۲-۱۰-۹-۸-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله استفاده از اطلاعات حوزه های مختلف علوم در زندگی، دانستن ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح، استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی و هدایت جریان یادگیری خود، می باشد.

۲- پدیده بی سوادی مدرن

افزایش جمعیت مانع از آن می شود که همچنان روش های سنتی آموزش بتوانند برای پاسخگویی به نیازهای جهانی معاصر مورد توجه قرار گیرند. در این خصوص می توان به پیدایش پدیده های نوینی همچون: دانشگاههای مجازی و استفاده از روش های الکترونیکی اشاره داشت، که متأسفانه مشارکت و سهم ما در طراحی یا کاربرد این مقولات بسیار پایین است.

آموزش و پرورش ما با روش های سنتی و غیرکارآمد وارد عرصه پیشرفته آموزشی در عصر اطلاعات شده است و به همین دلیل نه توان جذب تمامی علاقمندان دارای استعداد را داریم و نه امکان آموزش مناسب به محدود افرادی که جذب می کنیم. نتیجه این مهم، پیدایش پدیده منفی مهاجرت سرمایه های علمی می باشد که به منظور دستیابی به علوم و دانش مورد نظرشان راهی کشورهای دیگری می شود. استمرار این فرآیند، در آینده می تواند منجر به بروز اشکال نوین و مدرنی از بی

فرد می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۲-۸ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله دانستن ارزش اطلاعات همه‌جانبه و صحیح، استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی و هدایت جریان یادگیری خود، می‌باشد.

۴- عدم همراهی ذهنیات با عینیات

آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد و این روند برای هر دانش‌آموزی تا دوازده سال ادامه می‌یابد. اغلب آموزش‌هایی که آموزش و پرورش ما می‌دهد، تا مرحله ذهن است و به مرحله عینی نمی‌رسد. عدم همراهی ذهنیات با عینیات و تماس نیافتن آموزه‌های تئوریک با تجربه‌ها و واقعیت‌ها و نیازهای زندگی، نتیجه‌اش جز بیگانه‌سازی دانش‌آموزان با دنیای پر تنوع و فعال بیرون ندارد. به عبارتی آموزش و پرورش رسمی ایران، زیاد دانش‌آموزان را با فرآیند‌های اجتماعی درگیر نمی‌سازد. دانش‌آموزان برخواسته از این نوع نظام آموزشی، در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار بعضی انحرافات فکری خواهند شد [۳۷].

با توجه به اینکه یکی از مهمترین اهداف آموزش رسمی در دنیا عدم تاکید صرف بر محفوظات، کاربردی کردن آموزش، بدست آوردن مهارت، کسب کار و شغل مناسب و متناسب با آن آموزش می‌باشد و این موضوع در اهداف آموزشی کشور ما هست ولی در حد انتظار عملی نشد، بنابراین می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۲-۱۰-۲ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله استفاده از اطلاعات در حوزه‌های مختلف علوم در زندگی، به خدمت گرفتن فن‌آوری‌های مناسب برای استفاده از علوم، هدایت جریان یادگیری خود، می‌باشد.

۵- آموزش زبان خارجی

جهان امروز از کشورهای متعدد و گوناگونی تشکیل شده است که هر یک به سبب تاریخ خاص خود از فرهنگ و زبان متفاوتی برخوردارند و این تنوع و گوناگونی، گاهی امکان زندگی مشترک انسانها در کنار یکدیگر را دشوار می‌سازد؛ چرا که زبان صرفاً ابزاری

سواد در کشور شود. هم‌اکنون نیز در بعضی از قسمت‌های علم و دانش، این آفت نمود دارد.

از این منظر، حوزه‌های عالی‌دانش مورد توجه و اقبال قرار نگرفته است و در نتیجه، جامعه‌نخبگان ما از مزیت‌آشنایی علمی و کاربرد عملیاتی دانش‌های حساس محروم شده و این محرومیت به درون پیکره جامعه نفوذ می‌کند و نسلی آموزش‌دیده وارد جامعه می‌شوند که اگر چه استانداردهای سنتی آموزش را دارند، اما از معدل خوبی در فضای جهانی برخوردار نمی‌باشند [۳۶].

با توجه به پیدایش پدیده‌های نوین یادگیری و آموزش و تغییر اهداف سنتی آموزش به سمت کاربردی‌شدن و بالابردن مهارت‌ها و استفاده از آن در جهت کسب شغل می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۱-۱۰-۹-۸ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، دارا بودن مهارت‌های لازم برای زندگی و کار در جامعه، به خدمت گرفتن فن‌آوری‌های مناسب و انتخاب شغل آینده، می‌باشد.

۳- پدیده آموزش‌های ناهمسان

رشد فناوری ارتباطاتی، تنوع محصولات و روش‌های متنوع آموزشی منجر به آن شده که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران دچار معضلی بشوند که می‌توان از آن به پدیده «آموزش ناهمسان» یاد نمود. معنای این آفت این است که دانش‌آموزان در حالی که درون یک نظام آموزشی رسمی واحد در حال تحصیل می‌باشند، به واسطه دسترسی به امکانات تازه (به ویژه شبکه اینترنت)، به صورت غیر رسمی از آموزش‌های دیگر نیز بهره‌مند می‌شوند. آموزش که چون جامعه مورد نظر در آن نقشی ندارد، با آموزش رسمی، دیگر همسان نمی‌باشد. این ناهمسانی بین این دو فضا، می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به نظام آموزشی ایران وارد نماید [۳۷].

با توجه به شیوه‌های آموزش غیر رسمی و سهل‌الوصول بودن ابزارهای جدید ارتباطی و آموزشی برای

کشور ایران باید بر آموزش زبان انگلیسی در کنار زبان فارسی تأکید بیشتری نماید هر چند جهت از بین نرفتن و تقویت زبانهای بومی نیز باید کوشید، بنابراین باید بر آموزش زبان (اعم از زبان بومی و انگلیسی) به طور کلی تأکید بیشتری شود. زیرا عدم تأکید بر زبان های بومی موجب استفاده انحصاری از زبان انگلیسی در دراز مدت می شود که باعث غرور فرهنگی و تحمیل یک فرهنگ بیگانه (حتی اگر غیر عمد باشد) خواهد شد [۳۹].

با توجه به ظهور پدیده ی جهانی شدن و ضرورت ارتباطات اجتماعی فرهنگی ، اقتصادی و ... یادگیری یک زبان مشترک بین المللی لازم می باشد که این مهم به صورت یک هدف در اهداف آموزشی کشور ما می باشد . به طور کلی می توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۷-۶ علمی و آموزشی مقطع متوسطه از جمله توانایی ارتباط با دیگران از طریق آشنایی با یک زبان خارجی و آشنایی با زبان عربی می باشد.

۶- تدریس فعال

برنامه آموزش جهانی می خواهد روشهای تدریس را به سوی تدریس فعال تغییر جهت دهد که بر فعالیت شاگرد استوار هستند. زیرا یادگیری یک فرآیند دائمی و فعال است نه انتقال ساده اطلاعات. از این رو نه تنها شاگردان همواره به یادگیری مبتنی بر پرسش تشویق می شوند بلکه معلمان نیز با به کارگیری روشهای متنوع و ارزیابی آنها همچون یک یادگیرنده به گسترش یادگیری خود می پردازند.

برنامه آموزش جهانی به طور مکرر بر تدریس فعال، به تعبیرات گوناگونی همچون یادگیری مشارکتی ، رهبری تسهیل کننده یادگیری تعاملی ، فعالیت های غیر قیاسی تاکید می ورزد. [۴۰].

تدریس مبتنی بر تغییر شکل و دگرگونی. ویژگی این نوع تدریس خود انگیختگی است. زیرا مهارت های ارتباط ، تفکر، تصمیم گیری ، مذاکره، مباحثه و حل مسئله را به یادگیرندگان می آموزد ، در حالی که در انتقال صرفاً مهارت های خواندن ، نوشتن و حفظ کردن

برای برقراری ارتباط نیست ، بلکه جهان بینی افراد ، قوه تخیل آنها و روش انتقال دانش را بیان می کند. [۳۰]. به علاوه ، انتقال یک مفهوم از فرهنگی به فرهنگ دیگر ، همواره مستلزم چالش تغییر از یک نظام فکری به نظام فکری دیگر است و این نظامهای غیر قابل تفکر می توانند منبع متقابل عدم درک ، سوء تفاهم و حتی تحقیر و بی اعتنایی افراد و اقوام به یکدیگر شوند [۲۷]. از طرف دیگر ، با ظهور پدیده ای به نام «جهان شدن» و تأثیر آن بر کلیه ابعاد زندگی مخصوصاً بعد فرهنگی و اجتماعی ، ضرورت برقراری ارتباط بین ملتها و بین آحاد مردم در درون هر کشور ، درک متقابل و تحمل یکدیگر ، روز به روز بیشتر می شود. از این رو ، تشویق مردم به یادگیری زبان هایی که بخشی از میراث آنها را تشکیل می دهد و یا زبان هایی که امکان ارتباط متقابل را در صحنه های بین المللی فراهم می کند از شروع دوران جدید در زندگی مردم اکثر کشورها ادامه داشته است.

امروزه ، کسب مهارتهای مربوط به یک یا چند زبان خارجی به وسیله شهروندان کشورهای مختلف ، پیش شرط لازم برای مشارکت همه جانبه در جامعه بین المللی و استفاده از فرصتهای آن است. این ضرورت در حدی است که برای مثال ، در اروپا توصیه می شود که حداقل دو زبان خارجی مربوط به سایر کشورهای اروپایی به ویژه نسل جوان این قاره فراگرفته شود تا امکان تفاهم و ارتباط بیشتری بین مردم این کشورها ایجاد گردد. حتی پارلمان اروپا ، سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال اروپایی زبانها اعلام می کند و هدف از این کار این است که آگاهی مردم نسبت به تنوع فرهنگی و زبانی غنای این منطقه بالا ببرد و یادگیری زبان دیگر ملتها را به عنوان کلید توسعه روابط فردی و شغلی با دیگران توصیه کند [۳۸].

از آنجا که در راستای جهانی شدن ارتباطات بین کشورها در زمینه های مختلف افزایش می یابد داشتن یک زبان مشترک برای تمامی کشورهای مختلف جهان به عنوان زبان دوم ضرورت می یابد و آموزش پرورش

شک ، فناوری می تواند از این نقش جدید حمایت کرده و یا مانع آن شود و این همان چالشی است که باید با آن مقابله گردد. زیرا اولاً این فناوری مستلزم داشتن دانش و مهارت های جدید است که دانش آموزان به طور دائم به یادگیری مهارت های جدید بپردازند تا بتوانند از اطلاعات در دسترس ، برای حل مسائل و پاسخگویی به سوالات طرح شده در کلاس استفاده کنند. ثانیاً ، بدون ایجاد تغییرات مناسب در ساختار مؤسسات آموزشی و در برنامه های آن ، امکان استفاده از امکانات جدید یادگیری بسیار دشوار و گاهی غیر ممکن است.

فناوری اطلاعاتی و ارتباطی جدید برای معلمان نیز یک چالش و در عین حال یک فرصت مناسب می تواند باشد. استفاده مؤثر از این امکانات توسط معلم وقتی امکان پذیر است که وی مهارت و دانش لازم جهت استفاده از این فناوری را داشته باشد. آموزش های پیش از خدمت معلمان باید طوری طراحی گردد که آنها را برای استفاده از نسل فعلی فناوری ها و حتی تغییرات بعدی آنها آماده کند. بدیهی است که لازمه این کار ، فراهم کردن شرایط برای دستیابی معلمان و دانشجویان به این فناوری هاست [۲۷]. در آینده آموزش ها بیش از پیش پژوهش محور و معطوف به پرورش قدرت تفکر، موجب رشد خلاقیت، نوآوری، اعتماد به نفس و رشد انسانیت انسان می شوند. در این رویکرد مهم امکان ارایه تفکر مطلوب به دانش پژوه وجود ندارد، او در دنیای متحول زندگی می کند و باید راه فکر کردن و مهمتر از آن جمعی فکر کردن یا هم اندیشی را به او یاد داد، تا خود بتواند مشکلاتش را حل کند و راه خود را بیابد. لذا آموزش مفاهیم مطلوب مشکل دانش پژوهان را حل نمی کند بلکه باید قدرت فکر کردن را در او به وجود آورد [۴۱].

با توجه به اینکه در شرایط جدید آموزش بیشتر به روش مشارکتی انجام می شود که در آن یادگیرنده نقش فعال و خودگردانی در فراگیری علوم مختلف دارد که این امر مستلزم استفاده از فناوریهای جدید می باشد. در این روش بحث آموزش بیشتر پژوهش محور و معطوف

پرورش داده می شوند. یا تدریس مبتنی بر مراحل تحقیق ؛ این الگوی تدریس بر استفاده از راهبردهای تحقیقات علمی در آموزش و یادگیری تاکید می کند.

رهبری مشارکتی : میان الگوهای رهبری در مدرسه و میزان یا نوع یادگیری شاگردان پیوند عمیقی برقرار است. زیرا هر نوع تعریف از رهبری می تواند نحوه مشارکت افراد در امر یادگیری را تحت تاثیر قرار دهد. نحوه مشارکت در یادگیری نیز به طور مستقیم به نوع و میزان یادگیری ارتباط می یابد. الگوهای رایج رهبری که شامل هدایت جریان امور از جانب یک نفر برای گروهی از مردم می گردد با انتقادات فراوانی روبرو گردیده است. برای مثال ، منتقدین به مشکلاتی نظیر تزلزل سیستم و بی ثباتی امور به خاطر وابسته بودن به شخص و تعطیل استعدادهای بسیاری از افراد ذیل رهبری فردی یک نفر و غیره اشاره می کنند [۴۰].

با توجه به اینکه در تدریس فعال یادگیرنده فعال می باشد و در جریان یادگیری خود مشارکت دارد و همچنین از شیوه های مختلف مباحثه و تفکر بهره می گیرد ، می توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۳-۱۲ علمی آموزشی مقطع متوسطه از جمله هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق ، تفکر و مباحثه می باشد.

۷- جهانی شدن فرهنگ و تغییر در روش آموزش از رقابتی به مشارکتی

تغییر در نقش معلم از یک منتقل کننده دانش به یک مشاور ، راهنما و مدیر یادگیری ، مستلزم مسئولیت پذیری فراگیر در فرایند یادگیری است. با تغییر در روش آموزش از آموزش رقابتی به روش مشارکتی، حرکت به جانب ایجاد محیط های جدید یادگیری در مدارس آغاز شده است. در این محیط ها ، یادگیرنده با همکاری سایرین در گروههای کوچکی متشکل می شوند و زیر نظر معلم به یادگیری می پردازند. مشارکت در محیط های جدید آموزشی مستلزم این است که فراگیر به جانب یادگیری خودگردان حرکت کند و در یادگیری ، مسئولیت بیشتری را به عهده گیرد. بدون

آموزش و پرورش و آموزش عالی کمک کند تا با به کار گیری از آنها بتوانند به صورت کارآمدتر پاسخگوی انتظارات و خواسته های داخلی و خارجی باشند.

استفاده از این فن آوری در آموزش و پرورش کشور ایران نیز مدتی است که رایج شده است و در بخش آموزشی، اداری و پژوهشی به کار گرفته شده است. اما هنوز از تمام پتانسیل و توانایی های این فن آوری مدرن استفاده نمی شود. چنانچه مشاهده می شود، این فن آوری نتوانسته در ساختار و روش های سنتی آموزش تحول چندانی ایجاد کند و هنوز ابزار اصلی تدریس تخته سیاه و گچ و یا شکل مدرن تر آن وایت بورد است. همچنین در هماهنگی بین بخش پژوهشی و بازار کار، رشد تحقیق و پژوهش و خودیادگیری، کارایی لازم را نداشته است. هنوز استفاده از این فن آوری مدرن منحصر به کنفرانس ها و سمینارها است و آموزش و پرورش و آموزش عالی که باید متولی و اشاعه دهنده دانش های جدید باشند از جامعه عقب افتاده اند. زیرا این فن آوری در حوزه های دیگر، بیشتر از محیط های آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد [۴۳].

استفاده از فن آوری ارتباطات در آموزش و پرورش بدین معنی است که باید این فناوری را به کلاس درس بیاوریم و در فرآیند یادگیری از آن بهره گیریم تا دانش آموزان نسبت به این فناوری و موضوع درس نگرش سازنده ای پیدا کنند. این کار هم در درس ریاضی، هم در درس علوم اجتماعی و هم در درس فارسی و ... امکان پذیر است. مثلاً در درس علوم اجتماعی دانش آموزان با بهره گیری از فناوریهای نوین ارتباطات به مشارکت در مباحث مربوط به زندگی اجتماعی علاقه مند می شوند یا در درس ریاضی قادر می شوند با اندیشیدن، مسائل را حل کنند [۴۴].

فن آوری اطلاعات و ارتباطات فراتر از آن که بتوان فکرش را کرد ما را به هم نزدیک کرده است و فرصت های یادگیری در هر سطح، در هر زمان و مکان را فراهم کرده است. اگرچه از زمان استفاده از این فن آوری در عرصه آموزش و پرورش مدت زیادی نمی گذرد. اما در

به پرورش قدرت تفکر و خلاقیت می باشد. بنابراین می توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۳-۱۲-۱۰-۸-۲ استفاده از اطلاعات و معلومات در حوزه های مختلف علوم، مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، به کار گرفتن فن آوری های مناسب علمی، هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق، تفکر و مباحثه

۸- نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در یادگیری فعال در نظام های نوین آموزشی

باید توجه داشت که جهانی شدن تنها در حوزه اقتصاد نیست، بلکه تمام ابعاد زندگی بشر را تحت الشعاع قرار می دهد. ابزاری که به تحقق اهداف جهانی شدن کمک شایان توجهی می کند. فن آوری اطلاعات است. فن آوری اطلاعاتی و ارتباطی دانشی است مدرن، برای جمع آوری، ذخیره سازی، تبادل، اداره کردن و پردازش انواع اطلاعات با سرعت بسیار بالاست. دو رکن اساسی پشتیبانی کننده این فن آوری کامپیوتر و فن آوری ارتباطی است و تأثیر و نقش این دو در ذخیره اطلاعات، پردازش و اشاعه آن حیاتی است. اهمیت این فن آوری در آموزش و پرورش و توسعه رشته های علمی و فنی انکار ناپذیر است. فن آوری اطلاعات با ظهور اختراعات و نوآوری هایی به صورت کارآمد و اثر بخش و با سرعت در حال رشد است هر چیزی را در دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم تغییر می دهد. فن آوری اطلاعات توانایی خلق شغل، توسعه دسترسی به خدمات اساسی، توسعه تبادل اطلاعات بین مردم یک جامعه و جهان را دارد. طوری که امروز به کمک این فن آوری اداره و محیط کار به خانه آورده شده است [۴۲].

این فن آوری دامنه وسیعی از مزیت ها و خدمات را برای آموزش و پرورش و آموزش عالی به ارمغان آورده است که شامل خدمات فن آوری مدرن مانند اینترنت، وب، پست الکترونیکی، کلاس های مجازی، کنفرانس های الکترونیکی، سیستم های پشتیبانی تصمیم گیری و هوش مصنوعی می باشند که می تواند به

فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی از جمله ابزارهای مهم در تحقق اهداف جهانی‌شدن می‌باشند که در روند آموزش کمکهای فراوانی به سیستمهای آموزشی کشورهای مختلف از جمله کشور ایران دارد از جمله مهارت استفاده فراگیران از این ابزارها در آموزش، زندگی، کسب و کار، یادگیری و تغییر شیوه آموزش به روش مباحثه‌ای را می‌توان نام برد. بنابراین می‌توان گفت که مطالب فوق مرتبط و متناسب با اهداف شماره ۱۳ - ۱۲ - ۱۰ - ۹ - ۸ علمی آموزشی مقطع متوسطه از جمله مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارتهای لازم برای زندگی و کار در جامعه، به کار گرفتن فن آوری‌های مناسب علمی، هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق، تفکر و مباحثه می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش یک نهاد فرهنگی است و رکن اصلی توسعه محسوب می‌شود، و افراد را برای زندگی آینده و برای ساختن جامعه‌ای سالم و خودکفا در راستای توسعه آماده می‌کند. در این راه، آموزش و پرورش نیاز به جامعه‌ای دارد که باروری آن نیاز به گوناگونی فرهنگ، آزادی بیان، آزادی شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، تبادل آزادانه افکار و عقاید، دانش علمی، خلاقیت و آفرینشگری فرهنگی و تغییرات اصولی و سامان یافته در نظام تربیت معلم و نظام مدیریتی و نظام اداری، تغییر در رفتار مردم و گرایش‌ها و انتظارات، ارتباطات، افکار و عقاید و تغییر در تکنولوژی داشته باشد و در صورت داشتن برنامه‌های پویا و واقع‌گرایانه و پایدار و منطبق با ارزش‌های جامعه است که آموزش و پرورش می‌تواند انسانهایی آگاه و با فرهنگ و کارآمد تربیت کرده و راه توسعه فرهنگی و توسعه همه‌جانبه را هموار سازد.

در این خصوص تعلیم و تربیت هر جامعه‌ای بیش از سایر نهادهای اجتماعی علاوه بر فراهم نمودن زمینه‌های ظهور عوامل فوق بر روند حفظ و گسترش ویژگی‌های بومی و ارزشی خود مؤثر است از این رو نحوه ایجاد

همین مدت کوتاه توانسته است شرایط تحقق بعضی از رویاها و اهداف قدیمی تعلیم و تربیت را تحقق سازد از جمله:

۱- بردن محیط یادگیری نزد یادگیرنده به جای آوردن دانش آموز به محیط یادگیری
۲- تمرکز بر نقاط قوت و نیازهای فردی یادگیرندگان

۳- ایجاد محیط یادگیری مداوم و مادام‌العمر [۴۵].
با امکانات بسیار زیادی که فن آوری اطلاعاتی و ارتباطی برای یاددهی، یادگیری فراهم آورده است، ماهیت آموزش و پرورش را به طور بنیادی تغییر داده است. این تغییر شامل فضای فیزیکی نیز می‌شود. در سه دهه قبل این تصور نبود که یک زمانی بیاید که هر بچه‌ای به تلویزیون یا تلفن براحتی دسترسی داشته باشد و هر بچه‌ای قادر باشد از کامپیوتر هم در خانه و هم در مدرسه استفاده کند و یا هر کسی بتواند در هر جایی که هست به وسیله موبایل به شبکه اینترنت متصل شود اما در حال حاضر یک ادبیات وسیعی درباره واقعیت مجازی و مدارس مجازی وجود دارد.

باید به این نکته توجه داشت که آنچه در جامعه اطلاعاتی به ویژه در بخش آموزش و پرورش مورد تاکید است، صرف سرمایه‌گذاری و کاربرد سخت‌افزاری و ابزار گونه‌ی فناوریهای اطلاعاتی- ارتباطی و استفاده از آن جهت انبار کردن اطلاعات نیست، بلکه مساله اساسی به کارگیری این فناوری‌ها در آموزش و پرورش و توانمندسازی دانش‌آموزان در برگزیدن اطلاعات مورد نیاز برای رسیدن به مرحله خودمداری و ساختار به خدمت گرفتن فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی است. نتیجه‌چنین ساختاری سواد آموزی تلقی می‌شود که به شکل جدیدی از سواد موسوم به سواد اطلاعاتی منجر می‌شود. به کمک آن دستیابی، بازیابی و استفاده بهینه از اطلاعات مهیا می‌شود. مفهومی که کاملاً "منطبق با یادگیری مبتنی بر اکتشاف است" [۴۶].

ارتباطات بین المللی و بین فرهنگی را نشان می دهد. که متناسب با اهداف علمی و آموزشی مقطع متوسطه ایران از جمله مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارتهای لازم برای زندگی و کاردر جامعه، توانایی برقراری ارتباط با دیگران از طریق آشنایی با یک زبان خارجی، به کار گرفتن فن آوری های مناسب علمی، توانایی انتخاب شغل با توجه به نیازهای خود و جامعه، توانایی در هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق، تفکر و مباحثه می باشد.

اما در مرحله عملیاتی کردن وضعیت بسیاری از اهداف آموزشی و علمی در کشور ایران، ازمرحله شعار تا عملی شدن راه درازی در پیش دارند از جمله بحث فناوری اطلاعات است که بجز در موارد محدود هنوز نتوانسته جایگاه خود را در نظام آموزشی ما پیدا کند و درصد ناچیزی از آموزش نظام تعلیم و تربیت ما از فناوری های نوین بهره می گیرد. در روش های آموزش ما نتوانستیم هنوز از روش سنتی دل بکنیم و به روش های نوین آموزشی که به صورت پژوهش محور، مباحثه و مشارکت معلم و شاگرد است برسیم. در آموزش زبان که یکی از اهداف علمی و آموزشی است، آموزش و پرورش ما نتوانسته پا به پای دیگر کشور ها این هدف را به منصفه ظهور برساند طوری که کمتر دانش آموزی یافت می شود که بعد از پایان مقطع متوسطه بتواند به یک زبان زنده دنیا مسلط باشد. همچنین در رابطه با داشتن بینش علمی هر چند قدم هایی برداشته شد ولی باز به علت اینکه نتوانستیم بین عینیات و ذهنیات، بین محفوظات و حیطه های مختلف زندگی و محیط کار ارتباط منطقی برقرار کنیم و هنوز سیستم آموزشی ما روی ذهنیات کار می کند، باز از قافله جهانی شدن عقب افتاده ایم و بهتر است با هوشمندی خاصی از شرایط پیش آمده یعنی جهانی شدن که روند فرهنگی آن می تواند ارتباطات بین فرهنگی ما را گسترش دهد بهره کافی در پیاده کردن اهداف علمی و آموزشی ببریم.

تعادل بین آثار و پیامدهای جهانی شدن و اهداف و برنامه های آموزشی، ارزشها و میراثهای بومی مبحثی مورد تأمل است که برنامه ریزان نظام تعلیم و تربیت ما باید در شرایط جهانی شدن مد نظر داشته باشند. مثلا دانش آموز در شرایط جهانی شدن، برای برقراری ارتباط و استفاده از وسایل ارتباطی در جهت کسب منابع علمی و کاربرد آن در جامعه، باید آموزش هایی در زمینه همزیستی و تحمل تفکرات و نقد دیگران کسب نماید. یادگیری برای با هم زیستن به دلیل جهانی شدن و رشد وابستگی متقابل که از ویژگیهای برجسته قرن بیست و یک است، از هر زمان دیگری بیشتر ضرورت دارد.

آموزش و پرورش کشور ایران در شرایط جهانی شدن در حوزه فرهنگ علاوه بر مدیریت فرهنگی نیازمند است که به عنوان یک کشور در حال توسعه تجربه های فرهنگی را بازسازی و مدیریت معیارهای فرهنگی را ترویج کند. از جمله بازسازی آموزش و اصلاح ساختارهای آموزشی است، به نحوی که از مهارت یادآوری به مهارت تفکر، از مهارت گفتن به مهارت شنیدن و از مهارت پاسخ به سوال و مهمتر از آن چیزی که به آن نیاز داریم به مشارکت با دیگران، ترویج تفکر سیستماتیک و انتقادی برسیم.

یافته های حاصل از تحقیق حاضر در پیامدهای جهانی شدن فرهنگی برای اهداف آموزش و پرورش ایران مواردی چون کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال، پدیده بیسوادی مدرن، پدیده آموزش های ناهمسان، عدم همراهی ذهنیات با عینیات، رشد آموزش زبان خارجی، تدریس فعال، تغییر در روش آموزش از آموزش رقابتی به روش مشارکتی، نقش فناوری اطلاعات در یادگیری فعال در نظامهای نوین آموزشی، تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات بر آموزش و پرورش، کاربرد فن آوری اطلاعات در یادگیری فعال و یادگیری غیر فعال و

جدول ۱. پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه آموزش و پرورش ایران

آثار و پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر اهداف علمی و آموزشی	شماره اهداف متناسب با آثار و پیامدها	اهداف علمی و آموزشی دوره متوسطه متناسب با آثار و پیامدهای جهانی شدن فرهنگی
کاهش ارزش زمان گذشته و افزایش ارزش زمان حال	اهداف شماره ۹-۱۰-۱۲-۸-۲	استفاده از اطلاعات حوزه های مختلف علوم در زندگی، دانستن ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح، استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی و هدایت جریان یادگیری خود
پدیده بیسوادی مدرن	اهداف شماره ۸-۹-۱۰-۱۱	استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، دارا بودن مهارت‌های لازم برای زندگی و کار در جامعه، به خدمت گرفتن فن آوری های مناسب و انتخاب شغل آینده
پدیده آموزش های ناهمسان	اهداف شماره ۸-۱۲	دانستن ارزش اطلاعات همه جانبه و صحیح، استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی و هدایت جریان یادگیری خود
عدم همراهی ذهنیات با عینیات	اهداف شماره ۲-۱۰-۱۲	استفاده از اطلاعات در حوزه های مختلف علوم در زندگی، به خدمت گرفتن فن آوری های مناسب برای استفاده از علوم، هدایت جریان یادگیری خود
آموزش زبان خارجی	اهداف شماره ۶-۷	توانایی ارتباط با دیگران از طریق آشنایی با یک زبان خارجی، آشنایی با زبان عربی
تدریس فعال	اهداف شماره ۱۲-۱۳	هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق، تفکر و مباحثه
جهانی شدن فرهنگ و تغییر در روش آموزش از آموزش رقابتی به روش مشارکتی	اهداف شماره ۱۰-۱۲-۱۳-۲-۸	استفاده از اطلاعات و معلومات در حوزه های مختلف علوم، مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، به کار گرفتن فن آوری های مناسب علمی، هدایت جریان یادگیری خود و آشنایی عملی با روشهای تحقیق، تفکر و مباحثه
نقش فناوری اطلاعات در یادگیری فعال در نظامهای نوین آموزشی	اهداف شماره ۱۰-۱۲-۱۳-۸-۹	مهارت در استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی، مهارت‌های لازم برای زندگی و کار در جامعه، به کار گرفتن فن آوری های مناسب علمی، هدایت جریان یادگیری خود، آشنایی عملی با روشهای تحقیق و تفکر و مباحثه

منابع

۱۲. عالی، مرضیه (۱۳۸۲). تبیین و ارزیابی فرصت ها و تهدید های ناشی از پدیده جهانی شدن برای آموزش و پرورش ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس
13. Walker, G (2001). Globalization and education. International Baccalaureate organization.
14. Smith, M. (2000). "Globalization: Threat or Promise? Global Dialogue". Summer. London. P. 18.
۱۵. نهاوندیان، محمد (۱۳۸۵). ما و جهانی شدن. تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۱۳۸۵
۱۶. خیری اصل، خیراله (۱۳۸۲). تاثیر جهانی شدن بر تغییر فرهنگ سیاسی در ایران. پایان نامه کارشناسی ایران، دانشگاه تهران.
۱۷. کلاور، رانندی (۱۳۸۱). جهانی سازی و دموکراسی اطلاعات. ترجمه امیر حسین مهدی زاده، ماهنامه گزارش و گفتگو، ش ۲۸، مرداد، صص ۷-۹۴
۱۸. مردانی گیوی، اسماعیل (۱۳۸۰). جهانی شدن نظریه ها و رویکردها. فصل نامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، مرداد و شهریور، ۱۳۸۰
۱۹. توحیدی، افسانه (۱۳۷۰). بحثی پیرامون ارتباطات. فرهنگ و توسعه، سال سوم، شماره ۱۶، پاییز، ۱۳۷۰
۲۰. ترکی، حمد (۱۳۸۲). فرهنگ بومی و چالش های جهانی. ترجمه ماهر آموزگار، تهران: نشر مرکز.
۲۱. منادی، مرتضی (۱۳۸۳). جهانی شدن، دستگاہای فرهنگی و جوانان ایرانی. تهران: مجموعه مقالات آموزش و پرورش و گفتمان های نوین.
۲۲. پاستر، مارک (۱۳۷۸). عصر دوم رسانه ها. ترجمه غلام حسین صالحیار، تهران: مؤسسه ایران.
۲۳. گل محمدی، یحیی (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
۲۴. صافی، احمد (۱۳۷۸). سازمان و اداره امور مدارس. تهران: انتشارات سمت.
۲۵. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری علی محمد کاردان (۱۳۸۴). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
1. Albrow, Martin. (1990). The Global Age. California: Stanford University Press
2. Robertson, R. (1992). Globalization: Social Theory and Global Culture. London: Sage.
3. Kuhor, M. (1999). Rethinking Globalization: Critical Issues and Policy Choices. New York : Zed Books.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۰). جهانی شدن و تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مجله رشد، آموزش معارف اسلامی، زمستان، ۱۳۸۰
۵. تهرانیان، مجید و دیگران (۱۳۸۰). ارتباطات بین المللی و فرایند جهانی شدن مشکلات ناشی از ظهور پارادایم تازه، جهانی شدن: چالش ها و ناامنی ها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. امیری، مهدی (۱۳۷۹). ابعاد و پیامدهای جهانی شدن فرهنگ. تهران: کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۳
۷. نحاس، جرج (۱۳۷۸). جهانی شدن؛ انسان شناسی و آزادی در تربیت. ترجمه طاهره اختری، روزنامه انتخاب، اردیبهشت، ۱۳۷۸
۸. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴). جهانی شدن تعلیم و تربیت، پیامدها و چالشها. اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۹. آدم زاده، فاطمه (۱۳۸۴). تأثیر جهانی شدن بر تعلیم و تربیت. همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
۱۰. ناصری پور، مصطفی (۱۳۸۵). تبیین تغییرات مورد نیاز در نظام آموزش و پرورش ایران در دوره ابتدایی در شرایط جهانی شدن در بعد فرهنگ. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی.
۱۱. زارعی، عباسعلی (۱۳۸۲). جهانی شدن و تاثیر آن بر آموزش و پرورش. مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم ها و امید ها)، قزوین: تربیت معلم رجایی، انتشارات حدیث امروز.

39. Hinchcliff, Jon.(2000). Cross-Roads of the New Millennium. Proceedings of the Technological Education and National Development (TEND) Conference 2nd, April 8-10,2000, Abu zabi, United Arab Emirates.
40. Alladin , Ibrahim (1989). Teaching for Global Awareness . ATA Magazine , V.69, n.4
۴۱. صفوی، ا (۱۳۷۴). آموزش جهانی در قرن بیست و یکم. تهران: نشر قطره.
42. Maharanis. L. (2002). "Information communication technology in distance education in India weekly". Journal of university news. vol 40 no 19.
۴۳. زینلی پور، حسین و گودرزی، محمد علی (۱۳۸۴). نقش فناوری های اطلاعات در یادگیری فعال در نظام های نوین آموزشی. همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران: نشر وزارت خارجه.
۴۴. سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۸۲). اصلاحات آموزشی و مدرن سازی. انتشارات روزنگار.
45. Educational commission of America. (2000). The power of internet for Learing moving for promise to practice. Final report of the web- based Education commission to president and the curse of USA. www.ED.Gov/ offices/As/wbc/ final report.
۴۶. امام جمعه، طیبه (۱۳۸۳). نگرشی نو به آموزش و پرورش در عصر اطلاعات. ماهنامه پژوهش، شماره ۳۱، فروردین ۱۳۸۳.
۲۶. داوری، رضا (۱۳۸۲). فرهنگ و تعلیم و تربیت. نشریه نامه فرهنگ، ویژه نامه آموزش و پرورش و فرهنگ. شماره ۴۵.
۲۷. صبوری خسرو شاهی، حبیب (۱۳۸۴). بررسی تاثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش ایران. شورای عالی انقلاب فرهنگی
۲۸. کرمی پور، محمد رضا (۱۳۸۱). آموزش متناسب با عصر اطلاعات. تکنولوژی آموزشی، فروردین، ۱۳۸۱
۲۹. قادری، الهام (۱۳۸۱). جهانی شدن مفاهیم و تعامل بین المللی. باشگاه اندیشه.
۳۰. یونسکو. ملبورن (۱۳۷۹). آموزش و پرورش برای قرن ۲۱. گروه مترجمان، فصل نامه تعلیم و تربیت، تک نگاشت، ۲۷.
۳۱. گزارش کمیسیون بین المللی آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم به یونسکو. (۱۳۷۶) یادگیری گنج درون. ترجمه دفتر همکاری های علمی و بین المللی، تهران: تزکیه.
۳۲. یونسکو (۱۳۶۶). چهلمین اجلاس کنفرانس تعلیم و تربیت. فصل نامه تعلیم و تربیت، شماره ۱ بهار، ۱۳۶۶
۳۳. فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۷۸). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: انتشارات اسرار دانش.
۳۴. صافی، احمد (۱۳۷۹). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه. تهران: انتشارات سمت.
۳۵. دبیر خانه شورای عالی آموزش و پرورش ایران (۱۳۸۵). مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات مدرسه.
۳۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). بحرانهای فراگیر نظام آموزشی و تربیتی در عصر جهانی. تهران: مجموعه مقالات جهانی شدن، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۷. بیات، محمد مراد (۱۳۸۳). جهانی شدن و ضرورت تعامل و گفتگو فرهنگی. مجموعه مقالات جهانی شدن: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
38. Eurydice(2001). Foreign language teaching in schools in Europe, Eurydice European unit, Belgium .